



زنان ایران قربانی خشونت بی عدالتی و سیل

گزارش ماهانه

کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

مارس ۲۰۱۹

زنان ایران قربانی خشونت، بی عدالتی و سیل

مسائل زنان ایران در ماههای فوریه و مارس طیفی از موضوعات مختلف را در برمی گرفت. این موضوعات که هر کدام به نوبه خود بسیار تکانه‌دهنده است از جمله شامل موارد وحشتناک خشونت خانگی علیه زنان و دختران، قتل‌های ناموسی، حملات اسیدپاشی، آزار و اذیت کودکان و ازدواج‌های زودهنگام، همچنین خودکشی زنان در طیف‌های مختلف که زنان باردار، مادران جوان را هم در بر می‌گرفت.

خشونت علیه زنان زندانی در زندان شهری (قرچک و رامین) و افزایش فشار به زندانیان سیاسی با صدور احکام غیرعادلانه نیز جنگ رودروی حکومت زن ستیز آخوندی علیه زنان بود که از حکم ۳۸ سال زندان و ۱۴۸ ضربه شلاق که برای وکیل مدافع حقوق بشر نسرين ستوده صادر شد را می‌توان ظالمانه‌ترین آنها یاد کرد.

همه این مسائل اما تحت الشعاع سیل‌های ویرانگری قرار گرفت که خسارات جانی بسیار و ضررهای فراوان در سراسر کشور به بار آورد.

سیل ویرانگر جان و مال مردم را با خود برد

در آخرین روزهای ماه مارس و آغاز سال نوی ایرانی، موجی از باران و طوفان کشور را فرا گرفت و موجب سیلاب‌های ویرانگر



شد. دهها شهر و روستا به زیر آب رفتند و هزاران تن همه چیز خود را از دست دادند.

ارگانها و رسانه‌های حکومتی تلاش کرده‌اند که تلفات را تا حد ۱۹ نفر کوچک‌نمایی کنند. اما گزارشهای پراکنده از مردم حاکی از آن است که حداقل ۲۰۰ تن در این سیل کشته شده‌اند. بیشتر قربانیان [در شیراز بعد از یک باران ده دقیقه‌ای](#) جان خود را از دست دادند. در میان کشته‌شدگان دهها زن و دختر بچه وجود داشته‌اند.



عکس بالا، دختر ۱۱ ساله یک چوپان در یکی از روستاهای سوسنگرد در رودخانه غرق شد. عکس پایین، لعیان نریمانی که در جریان سیل در شیراز جان باخت

کمک‌های دولت بسیار کم و بسیار کند انجام شد. رژیم قبل از اعزام مددکاران، اقدام به اعزام سپاه پاسداران و بسیج کرد تا از بروز اعتراضات جلوگیری کند. مقامات وزارت کشور تهدید کرده‌اند که هر کس اخبار سیل را در رسانه‌های اجتماعی منتشر کند دستگیر و مجازات خواهد شد تا به این ترتیب مانع از درج گزارشات بیشتر درباره ابعاد واقعی خسارات بشود. آنچه تکانه‌دهنده است ابعاد خسارات به وجود آمده به دلیل باران سنگین است، نه تنها در روستاها و مناطق روستایی بلکه حتی در شهرهای بزرگی مثل شیراز.

سوء مدیریت دولت و کمبود بودجه برای بخش خدمات عمومی منجر به از مهار خارج شدن فجایع طبیعی شده است. اختلاس و فساد گسترده در میان مقامات رژیم به معنی واقعی کلمه پولی برای تأمین نیازهای مردم باقی نگذاشته است. نقش سپاه و مقامات فاسد رژیم برای همه روشن است.

رسیدگی به معابر آبی کمترین کاری بود که رژیم ملایان می توانست انجام بدهد تا از بروز چنین سیلابهایی جلوگیری کند. در



استان گلستان، چند سال است که از رسوب گیری رودخانه گریان خودداری کرده اند، بخش زیادی از مراتع و جنگل ها را از بین برده اند، و از زه کشی مزارع و اجرای طرح های آبخیزداری طفره رفته اند.

خیابان سازی در کنار دروازه قرآن شیراز معبر تخلیه آب را مسدود کرده و منجر به چنین سیلاب های مخربی شده است. از بین بردن جنگلها و فروش خاک ایران به کشورهای خارجی علاوه بر انواع نقض مقررات ساخت و ساز از دیگر دلایل سیلاب های اخیر می باشند.



بازماندگان از سیل در شرایط وحشتناکی به سر می برند. از نیروهای امدادگر و سیستم های امداد رسانی چندان اثری نیست. بیشتر کمک به سیلزدگان از سوی مردم در شهرهای مجاور صورت می گیرد.



یک خانم در شیراز که از طریق خیاطی زندگی خود را می گذراند، در یک کلیپ ویدئویی ضبط شده می گوید، «مگه چقدر بارون اومده که اینجور سیل اومده تو خونه مون؟ بچه هام لباس ندارن. دفتر ندارن. همه چیزشون آب رفته. من الان کار میکنم. وسایل مردم که دسته همه آب رفته. پارچه های مردم شیشه شکسته و همه وسایله از در رفته بیرون. تمام وسایل مردم، لباسهای بچه هام همه رفتن بیرون. الان نه لباس داریم نه پتو داریم نه خوراک داریم هیچی نداریم. کجا برویم؟ چطوری خونمون رو ول کنیم اینجوری و بریم. وسایل برقی هامون همه

توی آبه. چرخ خیاطی ام، اتو... این اتوی منه چطوری برای من کار کنه؟ من از کجا بیاورم؟ تمام زندگی ام خراب شده.» یک خانم دیگر می گوید، «یک بچه یک ساله دارم. شیرخشکیه. لباس و شلوار نداره. کفش و جوراب نداره. خودم جوراب پام نیست. سرده لباس گرم نداریم. زندگیمون هم که همه ریختند تو کوچه. مادرشوهرم و شوهرم لباس ندارند. از همسایه ها لباس می گیرم. تنشون می کنم.»

خانم سومی می گوید، «غذا و لباس نداریم. بچه ام مریض شده. چشمش عفونت کرده کسی قطره نیاورده. پاش عفونت کرده پماد نیاورده اند. این چیزها الان برای ما مهمه. اسهال و استفراغ به دلیل فاضلاب ... می گویند آب نخورین آبها با آب فاضلاب یکی شده.»



۳۸ سال حکم وکیل مدافع حقوق بشر نسرين ستوده

بعد از سه سال زندان، وکیل مدافع حقوق بشر نسرين ستوده مجدداً در روز ۲۳ خرداد ۹۷ دستگیر شد تا ۵ سال حکم زندان که در سال ۹۵ به اتهام اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت کشور و به استناد تحصن در مقابل کانون وکلای دادگستری برای او صادر شده بود را بگذراند.

اما در روزهایی که او در زندان بود، پرونده جدیدی برای وی تشکیل شد که شامل ۷ مورد اتهام دیگر بود. پرونده او یک بار در آذرماه ۹۷ و بار دیگر در بهمن ۹۷ در دادگاه انقلاب تهران در غیاب وی بررسی شد در حالی که حتی به وکیل انتخابی او اجازه شرکت در جلسه دادگاه و دفاع از پرونده او را ندادند.

در تاریخ ۲۰ اسفند ۹۷، همسر خانم نسرين ستوده از طریق حساب فیسبوک خود اعلام کرد که حکم ۳۴ سال حبس و ۱۴۸ ضربه شلاق برای او صادر شده است.

این حکم موجب خشم و انزجار در سراسر جهان شد. عفو بین الملل این محاکمه ها را «به شدت ناعادلانه» توصیف کرد. کانون وکلای فرانسه با نصب تصویر بزرگی از نسرين ستوده بر روی ساختمان خود اعلام کرد که «همه وکلای فرانسه در کنار نسرين ستوده ایستاده اند.»

خانم ستوده با محاکمه های ناعادلانه خود مخالف بود و در آنها شرکت نکرد. وی در نامه ای که در تاریخ ۱۰ فروردین در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد، گفت، «مایل نیستم در هیچ شکلی در این بازی ناعادلانه شرکت کنم. اجازه دهید قضات دادگاه انقلاب تک نفره بازی کنند.»

اتهامات وارده علیه خانم ستوده تنها به خاطر فعالیت های صلح آمیز او در دفاع از حقوق بشر از جمله دفاع از زنانی که به حجاب اجباری اعتراض داشتند و مخالفت صریح او با مجازات اعدام می باشد.

نسرین ستوده در نامه سرگشاده ۱۰ فروردین خود توضیح داد، «پس از بازداشت اینجانب در تاریخ ۹۷/۳/۲۳ مجدداً پرونده‌ی جدید با ۷ اتهام علیه من تشکیل شد که منجر به احکام محکومیت به شرح زیر گردید:

۱ - اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور ۷,۵ سال

۲ - عضویت در کمپین لگام ۷,۵ سال

۳ - فعالیت تبلیغی علیه نظام ۱,۵ سال

۴ - تشویق به فساد و فحشاء ۱۲ سال

۵ - ظاهر شدن بدون حجاب شرعی ۷۴ ضربه شلاق

۶ - نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی ۳ سال حبس + ۷۴ ضربه شلاق

۷ - اخلال در نظم و آسایش عمومی ۲ سال

مجموع احکام صادره علیه من ۳۸,۵ سال به اضافه ۱۴۸ ضربه شلاق بوده است.

به موجب مفاد ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی وقتی اتهامات متعدد باشد قاضی مجازات هر اتهام را جداگانه تعیین می کند و در مرحله‌ی اجرا، ابتدا مجازات اشد اجرا می گردد.

در این پرونده، مجازات اشد ۱۲ سال حبس است که در ابتدا این حکم اجرا می گردد اما سوال اساسی این است که تکلیف مابقی مجازات‌ها چه می شود؟ باز به موجب ماده ۱۳۴ «...اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تعدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می گردد.» پس در چنین مواردی باید تکلیف کلیه‌ی مجازات‌ها معلوم شود تا منجر به آزادی فرد محکوم گردد.»

نسرین ستوده خاطر نشان ساخت که هدف او از نوشتن این نامه سرگشاده افشای روند ناعادلانه محاکمه اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌های دادگاه انقلاب با نقض اصول دادرسی عادلانه می باشد که به موجب آن جمع کثیری از فعالان سیاسی و مدنی و معتقدان به عقیده و مذهبی دیگر در شرایطی دشوار طی سالیان طولانی زندان تحمل کرده‌اند و می کنند.

وی خاطر نشان ساخت که تنها به خاطر انجام وظیفه خود در دفاع از معترضین به حجاب اجباری به ۱۲ سال زندان محکوم شده و دادگاه وی بدون حضور متهم و وکیل تشکیل شده است و صریحاً از حضور وکیل در مرحله‌ی دادرسی جلوگیری به عمل آمد.

نسرین ستوده در انتها تأکید کرد، «روزی نه چندان دور خورشید عدالت بر سرزمین ما نیز می تابد و ما برای رسیدن به آن روز، صبر و صلح تمرین می کنیم تا شاید از این مسیر به هدف برسیم.»

مصادره محل کسب و زندگی زندانیان سیاسی

در اواخر اسفندماه ۹۷، ستاد موسوم به «ستاد اجرایی فرمان امام» محل کسب و محل زندگی زندانی سیاسی فاطمه مثنی و همسرش حسن صادقی را که به ترتیب در زندان اوین و گوهردشت کرج محبوس می باشند مصادره کرد.



به گفته آقای ایمان صادقی، فرزند این زوج زندانی، «پس از مصادره بخش زیادی از املاک، در حالی برای مصادره تنها خانه سکونت خانواده اقدام کرده است که بر اساس قوانین جزایی، دادگاه نمی تواند اموالی را مصادره کند که همسر و فرزندان و افراد تحت تکفل محکوم را از نیازهای اولیه ای مانند خوراک و پوشاک و مسکن محروم کند.»

ایمان صادقی همچنین افزود که والدینش در زندان به مراقبت های پزشکی نیاز دارند اما مقامات قضایی - امنیتی توجهی نکرده و با وجود هماهنگی نوبت دکتر با هزینه خانواده، با اعزام نکردن مادر و پدرش به بیمارستان در روند درمان آنها کارشکنی می کنند.

فاطمه مثنی و حسن صادقی از هواداران سازمان مجاهدین بودند که پیش از آشنایی و ازدواج، به اتهام هواداری از سازمان مجاهدین در دهه ۶۰ بازداشت و زندانی شدند. حسن صادقی در ۱۵ سالگی بازداشت شد و پس از شش سال از زندان آزاد شد. فاطمه مثنی و مادرش فردوس محبوبی نیز در همان سال بازداشت و به ترتیب به دو و چهار سال زندان محکوم شدند.

سه برادر فاطمه مثنی به نام های علی، مصطفی و مرتضی و همسر یکی از آنها نیز به اعدام محکوم شدند و پس از مدتی حکم آنان اجرا شد. علی مثنی در حالی اعدام شد که همسر و دو کودک چهار و شش ساله اش به نام های زینب و زهره نیز زندانی بودند.

سه دهه بعد، در ۹ بهمن ۹۱، این زوج زندانی سیاسی به همراه پسر ۱۶ ساله شان ایمان صادقی بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. ایمان پس از مدتی آزاد شد اما این زوج تا مدت طولانی به اتهام برگزاری مجلس ختم برای پدر حسن صادقی که روز نهم بهمن در کمپ لیبرتی فوت کرده بود، تحت بازجویی قرار داشتند و متعاقباً به ۱۵ سال حبس محکوم شدند.

مقامات زندانهای ایران همچنان زندانیان سیاسی را از درمان محروم می کنند

مقامات زندان اوین از انتقال زندانی سیاسی آتنا دائمی به بیمارستان جهت انجام آزمایشات و مراقبت های پزشکی جلوگیری کردند.

زندانی سیاسی آتنا دائمی مدتهاست که دچار سرگیجه و سردردهای مداوم و بی حسی در ناحیه چشم راست می باشد. پزشک بهداری زندان قرچک در اردیبهشت سال ۹۷ برای او درخواست انجام ام آر ای نوشت اما تا کنون جهت انجام این آزمایشات و معاینه به بیمارستان منتقل نشده است. همچنین دادیار ناظر بر زندان درخواست خانواده او برای ملاقات را مدتهاست نمی پذیرد و آنها موفق به گرفتن اجازه برای انتقال آتنا به بیمارستان نشدند.



احکام سنگین برای فعالیت های مسالمت آمیز



زندانی سیاسی انسیه عبدالحسینی که در بند زنان زندان اوین محبوس می باشد، به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شد. فعال مدنی رضوانه احمدخان بیگی به ۴ سال و ۵ ماه حبس محکوم شد. فعال مدنی کرد سحر کاظمی و معلم بازنشسته، معصومه عسکری، هر یک به ۵ سال زندان محکوم شدند.



زندانی سیاسی سابق دهه ۶۰، مهین اکبری، ۵۷ ساله، در بهمن ماه دستگیر و به زندان لاکان رشت منتقل شد. خبرنگار و روزنامه نگار ساناز اللهیاری از ۱۹ دی ماه ۹۷ در زندان اوین در وضعیت بلا تکلیف محبوس می باشد. آمنه ظاهری ساری دانشجوی حسابداری نیز از آذرماه به صورت بلا تکلیف در زندان سپیدار اهواز به سر می برد. فعال مدنی حکیمه احمدی، مادر دو کودک، از ۲۶ مهر ۹۷ در زندان مرند در وضعیت بلا تکلیف به سر می برد. همچنین شهروند بهائی، مریم غفارمنش، که در تاریخ ۲۵ شهریور ۹۷ دستگیر شده بود همچنان در وضعیت بلا تکلیف در زندان اوین محبوس می باشد.



حمله به زندانیان زندان شهر ری (قرچک)

طی روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن ۹۷، مسئولین زندان شهر ری گارد زندان را مأمور حمله به زندانیان بند ۱ و ۲ این زندان کردند. زندانیان خواستار رسیدگی پزشکی به وضعیت یکی از زندانیان شده بودند. نیروهای امنیتی اما با خشونت و با استفاده از گاز اشک آور و اسپری فلفل پاسخ دادند. وقتی زندانیان تلاش کردند برای خنثی کردن تأثیر گاز اشک آور آتش روشن کنند، مسئولین زندان با استفاده از ماشین آب پاش آتش را خاموش کردند در حالی که زنان زندانی هنوز در بندها بودند. آنها متعاقباً برق و آب و گاز بندها را قطع کردند و زنان زندانی را که سراپا خیس شده بودند، به همان حالت در هوای سرد زمستان رها کردند. هیچ گونه رسیدگی به زندانیانی که گاز اشک آور و فلفل استنشاق کرده بودند انجام نشد. مسئولین زندان، زندانیان را چند روز گرسنه نگاه داشتند و به آنها غذا ندادند. روز ۲۰ بهمن، ۴۰ نفر از زندانیان زندان قرچک با خشونت به بند ۲۴۰ زندان اوین منتقل شدند و ۲۵ نفر از آنها به سلولهای انفرادی قرچک برده شدند.

اظهارات وقیحانه درباره لایحه منع خشونت علیه زنان

ابعاد بازداشت ها و احکام حبس صادر شده برای فعالان زن و رفتار بیرحمانه با آنها نشان می دهد که رژیم ایران حداکثر توان خود را برای سرکوب مخالفت های مسالمت آمیز به کار گرفته است. حکومت ملایان با افزایش فشار بر زندانیان سیاسی، از جمله زندانیان و فعالان زن، قصد دارد فضای ترس بر جامعه مستولی کند و مردم به جان آمده و ملت ناآرام را مرعوب سازد. با این همه، رژیمی که برای کوچکترین تخلفات افراد را بازداشت و زندانی می کند، حالا مدعی شده است که مسدود کردن ۱۳ ساله تصویب لایحه منع خشونت علیه زنان به دلیل مغایرت آن با سیاست «حبس زدایی» رژیم می باشد.

غلامحسین محسنی اژه‌ای، معاون اول و سخنگوی قوه قضائیه، در اظهاراتی درباره لایحه تأمین امنیت زنان علیه خشونت گفت

این لایحه نیاز به بازنگری اساسی دارد و اصلاح پذیر نیست.

وی گفت، «اشکالات لایحه تأمین امنیت زنان زیاد بود و نمی شد اصلاحات روی آن انجام داد... یکی از مسائل این است که ما

سیاست کلی بر حبس زدایی داریم اما در این لایحه برای هر موضوعی حبس برگزیدند و موجب تزلزل بنیان خانواده می شود.»

(خبرگزاری رسمی ایرنا - ۲۸ بهمن ۱۳۹۷)